

کند که رسانه‌ای شود. اما طی روزهای گذشته و در جریان سفر او به بزد، دو اظهارنظر از سوی خاتمی منتشر شده که حاوی نکته‌هایی مهم درباره امروز و فردای ایران است. بررسی آنچه خاتمی گفته، می‌تواند ما را به چهار سرخط برساند:

**۱ همسویی موشک و مردم:** در روزهایی که یک سمت می‌گویند که پیشرفت نظامی بر همه چیز اولویت دارد و سمت دیگر می‌گوید که مردم را باید در اولویت دانست، خاتمی از همسویی و اهمیت هر دو سخن گفته و تأکید کرده «موشک و مردم دو مؤلفه و عامل سربلندی ایران در جنگ ۱۲ روزه هستند ... ما در جنگ اخیر دیدیم این موشک‌ها چگونه زندگی در آن منطقه جغرافیایی کوچک را بر دشمن سخت کرد. همچنین مردم نیز خیلی خوب نشان دادند که در هنگام خطر کنار همدیگر هستند و حتی مخالفان جمهوری اسلامی برای ایران و در محکومیت تجاوز اطلاعاتیه دادند و اظهارنظر کردند.»

**۲ یک اشتباه بزرگ:** روایت دیگری که خاتمی گفته، از اشتباه برداشتی است که بیشتر از سوی طیفی از اصول‌گرایان مطرح شده و عدم حمایت مردم از اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه را نشانه‌ای از حمایت از سیستم سیاسی ایران تلقی کرده‌اند. خاتمی روی این موضوع دو هشدار داده است. ابتدا گفته: «نکند اشتباه کنیم و بگوییم مردم ما را تأیید کردند، بلکه مردم ایران را تأیید کردند و این ما هستیم که باید به سمت ایران حرکت کنیم. حتی سرود هایی که برای ایران خوانده شدن نیز خوب بود، اما مدتی بعد از جنگ صدوسیما دوباره به رویکردهای سابق خود برگشت. هدف ایران آباد و آزاد است و اسلام و انقلاب اسلامی هم ساختن ایران و پیشرفت آن را تأیید می‌کند. ایران برای همه ایرانیان است.» و البته دیروز هم تأکید کرده است: «شما در جنگ ۱۲ روزه دیدید تمام اختلافات کنار رفت و کسانی که حتی به دولت اعتراض داشتند همه کنار همدیگر مقابل تجاوز ایستادند و همه از ایران سخن گفتند و نظام جمهوری اسلامی هم گفت «ای ایران» را بگویید. البته ای ایران گفتن کافی

نیست، بلکه باید نسبت به ایران اهتمام عملی داشت. من از اسلامی سخن می‌گویم که به ایران احترام قائل است و در ایرانی استعداد بزرگی را کشف کرد؛ و نیز از ایرانی سخن می‌گویم که از این گشایش اسلام بهره‌برداری کرد.»

**۳ یک دولت کافی است:** آسیب دیگری که خاتمی به آن اشاره کرده، در بحث سیاست و اقتصاد و موضوع دخالت‌ها در کار دولت و یا همان دولت در دولت است. او می‌گوید: «ما چند دولت در این کشور باید داشته باشیم؟! هر کشور باید یک دولت و یک اقتصاد داشته باشد.» و روز گذشته هم با بیان اینکه «نمی‌دانیم نفت قیمت است یا نعمت؟!» توسعه یافتن ترکیه را مثال زده و گفته: «نمی‌خواهم بگویم ترکیه برای ما الگوست؛ اما ترکیه یک قطره نفت ندارد، ولی امروز با گردشگری و صنعت توانسته است از ما بسیار جلوتر برود. ما نفت داشتیم و او نداشت، اما درآمد او از توریسم از کل درآمد نفتی ما بیشتر است. در حالی که ما قدمت تاریخی بیشتری داریم و بهترین پتانسیل برای تقویت توریسم را داریم. فارغ از سرمایه‌گذاری کشورهای حاشیه خلیج فارس در زمینه علم و تکنولوژی، رقم درآمد ما از توریسم را با آنها مقایسه کنید. اما ما دنبال تخیلات دیگری رفتیم که نه به آنها رسیدیم و نه توسعه. ما هم از تمام اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله عقب ماندیم. توسعه ما فقط در بخش نظامی و آن هم به برکت موشک‌هایمان بوده که در نتیجه در بخش نظامی دارای رتبه سوم در منطقه هستیم، اما در سایر شاخص‌ها رتبه پایین داریم.»

**۴ اقتدار داشته باشید:** او توصیه مهمی را خطاب به مسعود پزشکیان و دولتش داشته مبنی بر اینکه در تصمیمات و اقدامات‌شان مقتدر باشند و بدون ترس برای ایران کار کنند. او گفته است: «توصیه من به دولت این است که اقتدار داشته باشند و مسئولیت‌های خود را به خوبی انجام دهد. رییس جمهور و دولت باید مقتدر باشد و رئیس‌جمهور امور را فرماندهی کند؛ گرچه در این زمینه همواره سختی‌هایی وجود داشته و دارد.»

#### ▼ مهم، ایران است

وقتی که به اظهارات اخیر سیدمحمد خاتمی نگاه می‌کنیم، تصویری از سال‌های قبل تداعی می‌شود. اوایل سال ۱۳۹۲، در دیداری که پیش از انتخابات آن سال با خاتمی برگزار شد، زمانی که بحث و جدل اوج گرفته بود، او به صراحت تأکید کرد که سه خط قرمز دارد و از آنها عبور نخواهد کرد. کاری به برشمردن آن خط قرمزها نداریم که هر کدام بحث مفصلی می‌طلبد اما نکته این است که در رأس آن خط قرمزها «ایران» قرار داشت و این بار هم در روزهایی که میهم بودن اوضاع و احوال کشور نیاز به توضیح و تفسیر ندارد، اظهارنظرهایی کرده که نشان از نگرانی عمیق او دارد.

نکته مشخص این است که سن و سال او از سودای قدرت داشتن گذشته است و در هشتمین دهه زندگی هم که طبیعتاً میل به دلبری از صاحبان قدرت معنا و مفهومی ندارد. او نگران ایران است، حرف‌هایش را می‌زند تا شاید گوش شنوایی باشد. اینکه اوهام تندرواست، اصول‌گرا و براندازان درباره خاتمی چیست و همچنین اینکه بخشی از اصول‌گرایان حرف زدن‌های اخیرش را نهیب بر سایر اصلاح‌طلبان و به قول خودشان «لاک‌غلط‌گیر» خطاب کرده‌اند، محلی از اعراب ندارد(بعید هم هست که خود خاتمی هم چنین قصدی در پی سخنانش داشته باشد)؛ مهم

برای بررسی آنچه سیدمحمد خاتمی در روزهای اخیر گفته است، چهار سوال را از سه فعال حزبی پرسیدیم. حسین تهرانی‌نژاد (قائم مقام حزب اتحاد ملت)، محمود صادقی (دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین) و سعید نورمحمدی (قائم مقام حزب ندای ایرانیان)، سه فعال سیاسی بودند که به سوالات خبرنگار هم‌میهن پاسخ دادند.

## یکی از موضوعاتی که بارها درباره آن حرف زده شده، دخالت‌های غیردولتی در کار دولت و به اصطلاح دولت در دولت در ایران است. خاتمی هم به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «هر کشور باید یک دولت و یک اقتصاد داشته باشد.» درباره این بخش چه نظری دارید؛ آیا شما هم این موضوع را آسیب می‌دانید؟ راهکار رفع این آسیب چیست؟

سران نظام تصمیمی می‌گیریم اما متوجه می‌شویم که خارج از سران نظام، تصمیمات نادیده گرفته می‌شود. این مسئله‌ای است که شاید بتوان آن را مهمترین عامل نابسامانی‌ها دانست که این موضوع را در ابعاد و زمینه‌های مختلف از سیاست داخلی تا سیاست خارجی و اقتصاد و موارد فرهنگی و اجتماعی می‌توان مشاهده کرد. **سعید نورمحمدی:** نکته‌ای که آقای خاتمی در این بخش مطرح می‌کند، در واقع اشاره به یکی از ضعف‌های مزمن ساختار حکمرانی در ایران است؛ یعنی چندپارگی در تصمیم‌گیری اجرایی و اقتصادی. وقتی ایشان از تعبیر «چند دولت در کشور» استفاده می‌کند، مقصودش وجود مراکز متعدد قدرت، تصمیم‌سازی و اجراست که گاه بدون هماهنگی یا مسئولیت‌پذیری نسبت به نتایج، در سیاست‌گذاری دخالت می‌کنند. چنین وضعیتی نه‌تنها از کارایی دولت رسمی می‌کاهد، بلکه اعتماد عمومی به سازوکار حکمرانی را نیز فرسوده می‌سازد. باید بپذیریم اصل کارآمدی دولت، وابسته به وحدت تصمیم و پاسخگویی واحد است. در کشوری که چندین مرکز فرمان وجود دارد، تمرکز منابع و اجرای سیاست‌های منسجم ناممکن می‌شود. ما در عرصه اقتصاد نمونه‌ی روشن آن را دیده‌ایم؛ تصمیم‌های موازی، نپهادهای خارج از دولت که در تعیین نرخ‌ها، تخصیص منابع یا اولویت‌های صنعتی دخالت دارند، و در نتیجه هیچ نهادی پاسخ‌گو نیست و مسیر اصلاح اقتصادی دائماً دچار نوسان می‌شود. این پدیده در نهایت به «اختلال در فرماندهی اقتصاد» منجر می‌شود. یعنی ضرورت تشکیل یک فرمانده واحد

## خاتمی در پایان اظهاراتش به دولت و رئیس‌جمهور توصیه می‌کند که در انجام مسئولیت‌ها اقتدار داشته باشند. با توجه به شرایطی که کشور دارد، این اقتدار باید به چه شکل باشد و در چه حوزه‌ها و به چه صورتی خودش را نشان دهد؟

پایان دادن به وضعیتی که هر نهاد یا دستگاهی برداشت خاص خود از سیاست‌های ملی دارد. همان گونه که آقای خاتمی گفتند «هر کشور یک دولت و یک اقتصاد باید داشته باشد»، اقتدار واقعی یعنی بازگرداندن فرمان واحدو قاطع به ساختار دولت؛ نه برای حذف دیگران، بلکه برای نظم‌بخشی به هماهنگی ملی. ۲- اقتدار در حوزه‌ی اقتصادی: اقتدار اقتصادی در دوران بحران یعنی توان اولویت‌گذاری، تصمیم‌گیری سریع و مقابله با منافع متعارض. مردم باید اثر اقتدار را در ثبات بازار، پیش‌بینی‌پذیری معیشت و حمایت از تولید ملی احساس کنند. این امر بدون یک فرماندهی منسجم اقتصادی و بدون حمایت اجتماعی ممکن نیست. دولت مقتدر، دولتی است که بتواند چرخه‌ی تصمیم تا اجرا را کوتاه کند، منافع عمومی را بر منافع گروهی ترجیح دهد و با شفافیت عمل کند. ۳- اقتدار اخلاقی و اجتماعی: اقتدار در جامعه با «اعتماد» آغاز می‌شود؛ به همین دلیل زبان گفت‌وگو، پذیرش نقد، رعایت عدالت و مبارزه‌ی واقعی با فساد در آن اهمیت پیدای می‌کند. قدرتی که از اعتماد مردم سرچشمه بگیرد، در بحران‌ها شکننده است. مردم باید احساس کنند اقتدار دولت برای دفاع از کرامت آن‌هاست، نه برای تحدید آزادی‌شان. این همان «قدرت بر خاسته از مردم» است که آقای خاتمی بر آن تأکید کردند و می‌توانیم آن را پایهی توسعه‌ی پایدار و امنیت ملی بدانیم. بنابراین دولت امروز بیش از هر چیز به اقتدار تصمیم، اقتدار اخلاقی، و اقتدار کارآمدی نیاز دارد؛ اقتداری که در آن، ریشه در عقلانیت، قانون و اعتماد مردم دارد نه در گسترش اقتدار اداری. این همان اقتدار سازنده‌ای است که می‌تواند دولت را از انفعال خارج کند، موتور اصلاحات ساختاری را روشن نگه دارد و سرمایه‌ی اجتماعی کشور را بازتولید نماید. اقتدار واقعی در ایران امروز، در پیوند میان «کارآمدی دولت» و «اعتماد مردم» شکل می‌گیرد. هرگاه یکی بدون دیگری اقتدار حقیقی در سه سطح باید متجلی شود: ۱- اقتدار در سیاست‌گذاری و اجرا، دولت باید تصمیم بگیرد و پای تصمیم خود بایستد. اقتدار در اداره‌ی کشور یعنی پرهیز از دوگانگی در تصمیم‌ها و

**محمود صادقی:** منشأ این مشکل همان

چندگانگی در قدرت است. رئیس‌جمهور در آن شرایط ای آورد اما در اولین قدم‌ها که انتخابات کابینه است، پای رئیس‌جمهور بر گل می‌ماند.

البته آقای رئیس‌جمهور با شعار وفاقی که دادند، بنایشان بر تعامل است، اما این وفاقی وقتی بد تفسیر می‌شود، تبعاتی دارد که یکی از این تبعات ضعف در تصمیم‌گیری است. مثلاً اخیراً، بخشنامه‌ای را رئیس‌جمهور داده که در انتصابات شایستگی ملاک اصلی باشد، در حالی که الان اکثر انتصابات انجام شده و قبل از انتصابات باید این راهبرد اتخاذ می‌شد. آقای پزشکیان جزو منتخبان ما هستند و خود من در ایام انتخابات سراسر کشور برای دفاع از ایشان سخنرانی کردم اما چنین موضوعی مانع از این نیست که انتقاد نکنیم. بیش از یک سال از عمر دولت گذشته و آقای پزشکیان هنوز در قامت نماینده مجلس ظاهر می‌شود. رئیس‌جمهور اختیار فراوانی دارد که یکی از این موارد را می‌توان در بحث بوده‌دید. اینکه مثل یک نماینده مجلس سخنرانی کند و از بودجه‌های سرگردان حرف بزند اما تصمیم‌گیری قاطع همراه نداشته‌باشد، راه به جایی نمی‌برد.

**سعید نورمحمدی:** توصیه‌ی آقای خاتمی به دولت برای داشتن «اقتدار در انجام مسئولیت‌ها» در واقع دعوت به نوعی اقتدار عقلانی و مسئولانه است؛ اقتداری که نه در تضاد با مردم و آزادی‌ها،

بلکه در خدمت تأمین منافع ملی، رفاه و امنیت کشور معناپیدای می‌کند. در فضای کنونی کشور که با چالش‌های اقتصادی، مدیریتی و روانی متعددی روبه‌روست، اقتدار به معنای «قدرت تصمیم، انسجام در اجرا و پاسخ‌گویی شفاف» است، نه سخت‌گیری یا تمرکز بی‌ضابطه‌ی قدرت. به‌طور کلی اقتدار حقیقی در سه سطح باید متجلی شود: ۱- اقتدار در سیاست‌گذاری و اجرا، دولت باید تصمیم بگیرد و پای تصمیم خود بایستد. اقتدار در اداره‌ی کشور یعنی پرهیز از دوگانگی در تصمیم‌ها و



**حسین نورانی‌نژاد:** موضوع بسیار مهمی است که آقای خاتمی به آن اشاره کردند. بله، ما در ایران نوعی دولت در دولت داریم. «یک مملکت، یک دولت» نخستین ضرورت شکل‌گیری دولت‌مدن در هر کشوری است. امروز، با وجود دخالت‌های متعدد نهادهای

غیرمسئول یا فراقانونی در امور اجرایی، از شوراهای موازی و مبهم گرفته تا نهادهای انتصابی و برخی نمایندگان، با کلافی سردرگم روبه‌رو هستیم که عملاً به چنددولتی انجامیده و در واقع نوع خفیفی از بی‌دولتی است. این وضعیت البته ریشه‌دار است و محدود به امروز نیست، اما در سال‌های اخیر شدت گرفته است. تنها راه اصلاح آن، بازگشت به بنیان جمهوری است؛ یعنی اداره‌ی کشور بر اساس رأی و خواست ملت، هر چه از این اصل فاصله بگیریم، دولت ضعیف‌تر و کشور چندپاره‌تر می‌شود. در واقع راه‌حل در عمل به شعار هوشمندانه بخشی از مردم است که می‌گفتند «یک مملکت، یک دولت، آن هم به رای ملت».

**محمود صادقی:** یکی از مسائل سابقه‌دار در نظام مدیریتی کشور، همین موضوع است که به انجام مدیریتی و نظام اجرایی آسیب زده است. وحدت حاکمیت، یک امر ضروری است. حاکمیت و مسئولیت‌ها باید منسجم و یکپارچه باشد. قبلاً گفته می‌شد که دوگانگی داریم، اما الآن رفته‌رفته شاهد چندگانگی هستیم. خود آقای پزشکیان هم که به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی، به‌دانشگاه تربیت‌مدرس آمده بود، گفتند که مادر سطح



به‌دانشگاه تربیت‌مدرس آمده بود، گفتند که مادر سطح

## خاتمی در پایان اظهاراتش به دولت و رئیس‌جمهور توصیه می‌کند که در انجام مسئولیت‌ها اقتدار داشته باشند. با توجه به شرایطی که کشور دارد، این اقتدار باید به چه شکل باشد و در چه حوزه‌ها و به چه صورتی خودش را نشان دهد؟

**حسین نورانی‌نژاد:** عدم اقتدار دولت، واقعیتی است که هم حامیان و هم منتقدان دولت ناگزیر به پذیرش آن هستند. این ضعف دلایل متعددی دارد؛ شکل‌گیری دولت‌ب‌ارأی حداقلی و در

نتیجه‌پشتوانه اجتماعی ضعیف؛ انتقال تدریجی اختیارات از دولت به بیرون؛ سردرگمی سیاسی و نداشتن گفتمان روشن؛ نداشتن پشتوانه تشکیلاتی؛ تقویت نهادهای غیرانتخابی؛ و میراث‌دار بودن مشکلات ساختاری چون تحریم‌ها، تورم، انزوای بین‌المللی و شکاف‌های داخلی. از سوی دیگر، دولت فعلی در میانه‌ی راه و پس از گذار غیرطبیعی از دولت پیشین شکل گرفت؛ شرایطی که مدیریت آن به‌خودی‌خود دشوار است. افزون بر این، قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس به تنهایی برای زیر سوال بردن معنای دولت و به هم زدن تعادل بین اختیارات و مسئولیت‌های آن کافی است. علاوه بر همه اینها، راهبرد وفاقی که در آغاز می‌توانست خلأ راهبردی را تا حدی جبران کند، به‌مرور از «وسیله» به «هدف» بدل شد؛ گویی اصل بر دعوا نکردن است، نه حل مسائل کشور. نتیجه‌اش نوعی بی‌عملی، روزمرگی و محافظه‌کاری است. مدیرانی که بیشتر نگران نمره انضباطند تا اثرگذاری. نمونه‌اش توضیحات اخیر وزیر خارجه درباره عدم حضور در شرم‌الشیخ بود. البته باید درک کرد که دولت در شرایط دشواری قرار گرفته و بسیاری از مشکلات فعلی را به ارث برده است، اما به‌هر حال به میدان آمده و باید اراده و اقتدار بیشتری برای حل مسائل کشور نشان دهد. اقتدار واقعی از مردم، شجاعت تصمیم‌گیری و اعتماد به توان داخلی برمی‌خیزد. وفاقی و اقتدار، متضاد نیستند؛ مکمل یکدیگرند. دولت اگر بخواهد، می‌تواند با همین مؤلفه‌ها از حالت تدافعی خارج شود و ابتکار عمل را به‌دست بگیرد. در ماجرای قانون عفاف و حجاب نشانه‌هایی از این کارآمدی دیده شد؛ همان باور و اراده اگر در سیاست خارجی و مدیریت اقتصادی نیز به کار گرفته شود، کشور از روزمرگی نجات‌می‌یابد.

#### چهره‌ها



## بخشی از اختیارات به استانداران واگذار شد

اسکندر مومنی در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت واگذاری اختیارات به استانداران، گفت: «اختیارات استانداران به سه دسته تقسیم شده است. در این مسیر برخی اختیارات که در اختیار هیئت دولت بود واگذار و تصویب شد و برخی که نیاز به اصلاح قانون دارد هم در حال پیگیری است.»



## انتقاد مشاور قالیباف به آزادی رسانه‌ها

مهدی محمدی، مشاور محمدباقر قالیباف پس از انتقادات از سخنان رئیس مجلس علیه ظریف و روحانی، تلویحاً خواستار محدودسازی فضای رسانه‌ای کشور شد. محمدی در این خصوص در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «رهاشدگی آژاردهنده فضای عمومی سیاسی و رسانه‌ای در ایران نشان می‌دهد ما درکی از اینکه در موقعیت جنگی قرار داریم، پیدا نکرده‌ایم. در رویارویی بعدی باید خود را ملامت کنیم.»



## ایران تقاضایی برای خرید اس ۴۰۰ از روسیه نداشته‌است

ابراهیم رضایی، درباره نشست اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به خبرنگاران گفت: «در بخش اول جلسه گزارشی در مورد ارزیابی اجرای برنامه هفتم داده شد و در بخش بعدی طرح جامع مرزبانی با حضور مسئولان و نمایندگان دستگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و موادی از آن تصویب شد و در بخش پایانی کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه گزارشی از آخرین تحولات و روابط بین ایران و روسیه به‌ویژه طی ماه‌های اخیر به اعضای کمیسیون ارائه کرد و به سوالات اعضا پاسخ داد. در این نشست آقای جلالی تأکید کرد که روسیه همسایه بزرگ و قدرتمند جمهوری اسلامی ایران است و باید روابط مناسبی با آن داشته باشیم و روس‌ها بر مبارزه با یکجانبه‌گرایی تأکید دارند. سفیر ایران در روسیه به عضویت جمهوری اسلامی ایران در شانگهای و بریکس و همچنین اعضای موافقتنامه تجارت آزاد با کشورهای عضو اوراسیا اشاره کرد و گفت: این مسائل فرصت‌های ارزشمندی برای توسعه روابط اقتصادی است و هم‌اکنون هم روابط در سطح بسیار خوبی بین دو کشور وجود دارد و در حال توسعه‌است.» رضایی درباره مواضع روس‌ها در خصوص غنی‌سازی، تصریح کرد: «سفیر ایران یادآور شد که روس‌ها نگفتند که جمهوری اسلامی ایران به دنبال غنی‌سازی صفر باشد و در واقع موضع روسیه غنی‌سازی صفر نبوده و نیست بلکه از مواضع جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای حمایت کردند. همچنین او تأکید کرد که روس‌ها از حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان اطلاعی نداشتند.» وی درباره همکاری‌های ایران و روسیه، بیان کرد: «سفیر ما تشریح کرد که در ماجرای آتش‌سوزی بندر شهید رجایی و در جریان شهادت شهید رئیسی، روس‌ها با فاصله‌وارد عمل شدند و همکاری خیلی خوبی با مسئولان جمهوری اسلامی ایران ایفا کردند.» سفیر ایران در روسیه در ارتباط با خرید اس ۴۰۰ هم گفت: «جمهوری اسلامی ایران تقاضایی برای خرید اس ۴۰۰ از روسیه نداشته و در پایان تأکید کرد که رئیس‌جمهور در توسعه روابط با روسیه جدی است و شخصاً برخی از موارد را پیگیری می‌کند.»